

دولت رانگی



سید مهدی ارایبی - کارشناس ارشد اقتصاد و کارشناس معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی

- (۱) مسلط شدن و غالب شدن فضای رانتی در کشور.
- (۲) وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از رانت و در نتیجه، عدم توجه به بخش مولد اقتصاد و توسعه آن.
- (۳) درگیری و فعال بودن بخش بسیار اندکی از جمعیت شاغل در ایجاد رانت.
- (۴) ظهور دولت‌های رانتی. بعد از افزایش قیمت نفت و درآمدهای ناشی از فروش آن در دهه ۷۰، کشورهای رانتی شامل عربستان، امارات، ایران، عراق، کویت و قطر از آسیا و کشورهای لیبی و ونزوئلا از آمریکای لاتین و آفریقای

رانتیر، طبق تعریف، به کسی گفته می‌شود که وابسته به درآمد رانتی حاصل از مالکیت بر منابع طبیعی یا عواید حاصل از آن باشد. دولت رانتیر در واقع، یک تعبیر در علوم سیاسی و نظریه روابط بین الملل است و در مورد دولت‌هایی به کار گرفته می‌شود که بخش اعظم درآمدهایشان، وابسته به رانت و عواید منابع برونزا و عمدتاً منابع طبیعی مانند نفت و گاز می‌باشد. وابستگی به چنین منابع درآمدی، موجب ایجاد انحصارات و دست‌بردن و اختلال در فضای سیاسی و اقتصادی جهان خواهد شد. چهار ویژگی عمده کشورهای رانتی به شرح زیر می‌باشند:

دولت‌های رانتیر، وابستگی بسیار اندکی به درآمدهای مالیاتی دارند.



● بخش عمده فعالیت‌های زیربناسازی در دولت‌های رانتیر، متکی به درآمدهای رانتی است.



● ویژگی بارز دولت‌های رانتیر، تملق‌گویی و تملق‌شنوی است.



عنوان فراتر نمی‌رود و مهمترین چالش در این کشورها بحث دموکراسی و جامعه مدنی است. طبقه مسلط در این کشورها، از لحاظ اجتماعی بخش رانتیر جامعه است که در تمامی ارکان و بدنه دولت نفوذ و سیطره دارد.

در دولت رانتی به علت وجود منابع عظیم خدادادی، شایستگی‌ها و قابلیت‌های افراد در اداره و اجرای صحیح امور کشور مطرح نیست و حتی زیان‌های عظیم اقتصادی و سیاسی تصمیمات دولت به دلیل وجود منابع سرشار طبیعی، به درستی واکاوی نمی‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد و چه بسا مهر درستی و صحت هم بدان‌ها زده می‌شود.

در دولت‌های رانتی، افرادی که دارای پست‌های عالی مدیریتی در بدنه اجرایی می‌شوند، در بدنه این دولت صاحب منابع درآمدی و منافع بسیار می‌شوند و در راس ساخت طبقاتی جامعه قرار می‌گیرند. وجود تملق‌ها و چاپلوسی‌ها، گستردگی و افزایش شاغلان بخش دولتی، گستردگی نظام مهمترین بروکراسی، اتلاف بسیار منابع و کندی روند رشد و توسعه کشور، از جمله ویژگی‌های این کشورها می‌باشند.

شمالی و کشورهای عضو اوپک در این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند. در واقع، ویژگی بارز این دولت‌ها وجود دولت‌های اقتدارگرا است که از منظر اقتصادی وابستگی بسیار اندکی به درآمدهای مالیاتی دارند. در حالی که در جوامع توسعه‌یافته، دولت‌ها نیازمند بخش خصوصی و مالیات‌های آنها هستند، در جوامع جهان سوم این بخش خصوصی است که برای انجام طرح‌های تولیدی، تجاری و حتی زندگی روزمره خود نیاز به پول‌هایی دارد که دولت از طریق فروش مواد معدنی و خام بدست می‌آورد. چنین شرایطی باعث قدرت یافتن فزاینده دولت می‌شود و چون دولت پشتوانه اقتصادی و مالی مستحکم‌تری دارد، لذا جایی و عرصه‌ای برای حضور مخالفان و منتقدان خود باقی نمی‌گذارد. در غیاب درآمدهای مالیاتی، مردم نیز هیچگونه احساسی نسبت به تحت فشار قرار دادن دولت‌های رانتیر خود برای پاسخگویی و قبول رانتیر هستند، چالششان بحث دموکراسی و مسوولیت نمی‌بینند. بودجه در این کشورها از حد یک جامعه مدنی است.